

بانکداری و مالی اسلامی در بوته نقد

گزارشی از سلسله نشست‌های نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی

حسین میسمی^۱

مقدمه

هر اندیشه نو، از زمانی که به ذهن می‌رسد تا هنگامی که تبدیل به اثری و نوشته‌ای می‌شود و تا زمانی که چاپ شده و مورد نقد و بازبینی جامعه علمی قرار می‌گیرد، فرآیند مشخصی را طی می‌کند. یکی از مراحل عمده در این جریان، نقد آثار و پژوهش‌های منتشرشده و تبیین نقاط قوت و ضعفی آنهاست. انجام این کار به پژوهشگران کمک می‌کند تا نقاط ضعف کار خود را متوجه شوند و در جهت اصلاح و بازبینی آثار علمی خود حرکت کنند. هر چند این مهم در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های دانش اقتصاد به عنوان یکی از حوزه‌های علوم انسانی دارای اهمیت است، اما در رشته اقتصاد و بانکداری اسلامی دارای اهمیت دوچندان است. دلیل این مساله جدید بودن بسیاری از موضوعات و پژوهش‌ها در اقتصاد و بانکداری اسلامی است. در راستای چنین هدفی، گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی برای نخستین بار در کشور، اقدام به برگزاری سلسله نشست‌های نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی کرد. اولین جلسه از این سلسله نشست‌ها در مردادماه ۱۳۹۰ و هفتمین جلسه آن در اسفندماه سال ۹۱ برگزار شد.

شیوه برگزاری این جلسات تاکنون بدین صورت بوده است که ابتدا دبیرخانه جلسات تمامی مقالات و کتب چاپ‌شده در حوزه بانکداری و مالی اسلامی به زبان فارسی را مورد بررسی قرار می‌دهد و از میان آنها یک مورد را جهت برگزاری جلسه نقد انتخاب می‌کند. در ادامه با نویسنده اثر هماهنگی شده و پوستر جلسه به تمامی دانشگاه‌ها، موسسات پژوهشی و بانک‌ها و موسسات مالی ارسال می‌شود. علاوه بر این، متن اثر پژوهشی بر روی سایت پژوهشکده قرار می‌گیرد و از محققان خواسته می‌شود این اثر را در معرض نقدهای مکتوب خود قرار دهند. پس از جمع‌آوری نقدها در بازه زمانی تعیین‌شده، تمامی آنها در معرض داوری، دسته‌بندی و اولویت‌بندی قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، نقدهای تکراری حذف شده و کلیه نقدها نیز در سه دسته تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از: نقاط قوت، نقاط ضعف اصلی و مبنایی و نقاط ضعف فرعی و حاشیه‌ای. تمامی نقدها قبل از جلسه در اختیار نویسنده مقاله قرار گرفته و پس از آن جلسات برگزار می‌شود.

یادآور می‌شود در هر جلسه به بهترین نقد انجام‌شده هدیه‌ای از طرف پژوهشکده پولی و بانکی اهدا می‌شود. همچنین، در جلسه امکان بحث شفاهی محدود با نویسنده نیز وجود

داشته و بحث‌های بیشتر به بعد از جلسه موکول می‌شود. ویژگی اصلی این جلسه که آن را از جلسات سخنرانی متعارف جدا می‌سازد، مساله نقد محور بودن آن است. یعنی در این جلسه یک مقاله توسط استادان و دانشجویان گوناگون مورد نقد واقع شده و نقدها نیز به صورت دسته‌بندی‌شده در اختیار نویسنده قرار می‌گیرد. نهایتاً لازم است توجه شود که سیر مباحث جلسات نقد از مباحث بسیار نظری و محتوایی به سمت مباحث کاربردی و اجرایی بانکداری و مالی اسلامی تدوین شده است. جدول ذیل آماري از هشت جلسه نقد ارائه کرده و در ادامه خلاصه‌ای از آثار پژوهشی مورد بحث در جلسات و برخی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر آنها ارائه می‌شود.^۱

گزارش جلسه اول مبنایی و اصول بازار پول در اقتصاد اسلامی

الف - خلاصه اثر

مقاله «اصول و مبنایی نظام پولی در اقتصاد اسلامی» در پی پاسخ به این پرسش است که در نظریه پردازی و طراحی ابزارهای مالی در حوزه بانکداری اسلامی، لازم است به چه اصول و مبنایی بنیادین توجه شود؟ به نحوی که در هر مورد از این اصول و مبنایی تخطی شد، بتوان ابزار طراحی شده را گرچه ظاهراً اسلامی است، غیراسلامی نامید. پس از بحث محتوایی در چارچوب اصول تکوینی و تشریحی اقتصاد اسلامی، نویسنده چهار اصل را به عنوان بنیادی‌ترین مبنایی نظام پولی در اقتصاد اسلامی استخراج می‌کند که عبارتند از: ارزش پول به عنوان سنجه‌ای از عدالت اجتماعی، تبعیت قیمت پول از بازار حقیقی، امکان تعیین قیمت سایه‌ای برای پول و تراز حقیقی در رفتار اقتصادی.

ب - نقاط ضعف اصلی مقاله

۱- روش‌شناسی بحث مشخص نیست و این شیوه تایید فرضیه‌ها را برای خواننده مبهم می‌کند. مشخص نیست نویسنده با استناد به چه روش یا منابعی می‌خواهد درستی فرضیه‌ها را بیازماید. آیا از قرآن به عنوان منبع برای اثبات فرضیه‌ها استفاده می‌کند؟ یا از احادیث؟ یا از سیره و یا تقریر امام معصوم؟ و یا از استدلال‌های عقلی، به معنای منطقی (قیاس منطقی)، یا از روش اجتهادی و فقه‌ای و یا از مباحث فلسفه و کلام اسلامی؟ و یا به دنبال استخراج قواعد فقهی هستند؟ اگر گفته می‌شود از تمامی منابع و روش‌ها استفاده می‌شود قابل مناقشه است، زیرا در یک مقاله علمی استفاده از تمامی منابع و روش‌ها به مبهم شدن تحلیل‌ها برای خواننده منجر می‌شود. از این رو مناسب بود شیوه مباحث و

جدول شماره ۱ - اطلاعات مرتبط با هفت جلسه نقد

شماره	عنوان اثر پژوهشی	ناشر اثر	نویسنده	تاریخ برگزاری جلسه	تعداد نقاط قوت	تعداد نقاط ضعف اصلی	تعداد نقاط ضعف فرعی
۱	اصول و مبنایی نظام پولی در اقتصاد اسلامی	نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹	دکتر حسین عیوضلو	پنجم مرداد ۱۳۹۰	۹	۷	۱۱
۲	حیل مجاز رب (گفتار دوم از فصل پنجم کتاب ابزارهای مالی اسلامی)	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	حجت‌الاسلام دکتر سید عباس موسویان	۲۳ شهریور ۱۳۹۰	۶	۷	۱۷
۳	مفهوم‌شناسی ربا، بهره طبیعی و بهره قراردادی	مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۰	دکتر کامران ندری	دوم آذر ۱۳۹۰	۵	۱۲	۲۴
۴	نقد ریشه‌های ذهنی ایجاد بهره از دیدگاه بوه‌باورک و دلالت‌های آن در بانکداری و اقتصاد اسلامی	نشریه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۳	دکتر رسول بخشی دستجردی	۱۰ اسفند ۱۳۹۰	۵	۹	۲۶
۵	بررسی تطبیقی نظریه نرخ بهره صفر با نظریه تحریم ربا در اسلام	نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۸	دکتر رسول بخشی دستجردی	۱۵ شهریور ۱۳۹۱	۵	۱۱	۱۵
۶	محدودیت‌ها و مسوولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسری بودجه	نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴	حجت‌الاسلام دکتر محمد اسماعیل توسلی	۸ آذر ۱۳۹۱	۶	۱۰	۱۱
۷	تورم و جبران کاهش ارزش پول از دیدگاه اسلامی	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	حجت‌الاسلام دکتر احمد علی یوسفی	۲۰ اسفند ۱۳۹۱	۶	۱۱	۱۲
۸	مدل تجهیز و تخصیص منابع بانکی با رویکرد تعدیل نقش پول	نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۲	دکتر مصطفی سلیمی‌فر و محمدعلی ابوترابی	۲۰ خرداد ۱۳۹۲	۴	۱۰	۲۰

روش‌شناسی اثبات فرضیه‌ها در مقدمه ارائه می‌شد.

۲- در صفحه ۴۷ بیان شده است که «نظام بانکداری اسلامی نظامی مرکب از اجزا، روابط و اهداف است که هر یک از آنها از متن‌ها و مستندهای اسلامی استخراج می‌شوند». همان‌طور که در ادبیات بحث مطرح شده است، عقل و تجربه در کنار نقل (قرآن و حدیث)، در اسلام جزء منابع مشروع معرفت به حساب می‌آیند. کاربرد این موضوع در بحث نظام بانکداری اسلامی آن است که لزومی ندارد اجزا، روابط و اهداف نظام بانکداری اسلامی به طور مستقیم از نقل استخراج شود، بلکه اگر بتوان اثبات کرد چیزی و یا هدفی از نظام عقلاً مطلوب است (البته به صورت قطعی و نه ظنی و یا وهمی)، خود به خود اسلامی است، زیرا عقل و تجربه جزئی از دین است نه در مقابل دین. مثال این مورد افزایش سرمایه‌گذاری و تولید است، یعنی یکی از اهداف بانکداری اسلامی باید افزایش سرمایه‌گذاری و ایجاد رشد اقتصادی در جامعه اسلامی باشد که گرچه این هدف مستقیماً از منابع نقلی به دست نمی‌آید، اما عقل و برداشت عقلی متشرع، همگی ضرورت در نظر گرفتن چنین هدفی را برای بانکداری اسلامی تأیید می‌کنند.

گزارش جلسه دوم حیل مجاز ربا

الف- خلاصه اثر

گفتار پنجم از فصل دوم کتاب ابزارهای مالی اسلامی به مسأله «حیل ربا» می‌پردازد. در این فصل نویسنده پس از تعریف حیل ربا، ادله‌ای را که توسط موافقان و مخالفان حیل ربا مطرح شده است مورد بحث قرار داده و ضمن ارائه تحلیل‌های مبسوط، به نتایج ذیل دست می‌یابد.

۱- گرچه باب ربا از ابواب معاملات است و در آیات و روایات، مفساد خاصی چون ظلم، فساد اموال و ترک تجارت بر آن مترتب شده است و به ارتکاز عرف و عقلا، برخی از مصادیق حیل‌های ربا هیچ تفاوتی از آن جهت با خود ربا ندارند و تجویز آن حیل‌ها، موجب لغو و بی‌اثر شدن حکمت‌های تحریم ربا می‌شوند، اما همه حیل‌های ربا این چنین نیستند و به فهم عرف و عقلا، تفاوت روشن با ربا دارند و آن مفساد بر آنها بار نمی‌شود. بنابراین باید بین حیل مجاز و غیرمجاز ربا تفاوت قائل شد.

۲- گرچه در مصادیق زیادی از حیل‌های ربا، به ویژه مواردی که از ناحیه رباخواران حرفه‌ای صورت می‌گیرد، قصد جدی برای انجام معامله غیر از ربا نیست و استعمال سایر الفاظ معاملات، صرف تلفظ بوده و قصد جدی برای آن وجود ندارد، اما همه مصادیق چنین نیستند و در موارد زیادی طرفین قرارداد به خاطر حرمت ربا، از آن صرف‌نظر کرده و به صورت جدی به سراغ معامله مجاز می‌روند و به عبارتی از حرام خدا به حلال فرار می‌کنند.

۳- گرچه روایات زیادی دلالت بر تحریم حیل‌های ربا به شکل عام و خاص می‌کنند، اما در مقابل روایات زیادتری از جهت کمیت و کیفیت، دلالت بر تجویز برخی از مصادیق حیل ربا می‌کنند.

۴- نتیجه‌ای که می‌توان از مجموع چهار نکته قبلی گرفت آن است که نمی‌توان حکم واحدی نسبت به همه حیل‌های ربا صادر کرد و به نظر می‌رسد می‌توان با ارائه معیارهای مشخص، بین حیل‌های مجاز و غیرمجاز تفکیک کرد.

ب- نقاط ضعف اصلی

۱- مناسب بود نویسنده بحث جواز یا عدم جواز حیل ربا را با توجه به اهداف اقتصاد و مالیه اسلامی پیگیری می‌کرد. در واقع مناسب بود مسأله حرمت ربا، به عنوان جزئی از کل و تابعی از هسته سخت و اهداف بانکداری و مالیه اسلامی مطرح می‌شد. این بحث ضمن فراتر بردن مسأله از دیدگاه صرف فقهی و وارد کردن بحث در فقه حکومتی و اجتماعی، توجه مخاطب را به اهداف شریعت اسلامی در حوزه اقتصاد جلب می‌کند. اهمیت این مطلب زمانی به صورت بهتری درک می‌شود که توجه شود که از دیدگاه مذهب شیعه، حسن و قبح عقلی در وضع احکام الهی مورد توجه شارع مقدس بوده و به عبارت دیگر، احکام الهی دارای اهداف غایی هستند. بنابراین، اگر تغییری که در رفتار مسلمین در پاسخ به یک حکم الهی صورت می‌گیرد، هدف شارع را محقق نسازد، در واقع باید گفت به آن حکم الهی در واقع امر جامه عمل پوشانده نشده است؛ هر چند ظاهر امر، شرعی باشد. به نظر می‌رسد حیل مجاز ربا که توسط نویسنده بیان شده‌اند، در این حوزه قرار می‌گیرند.

۲- نویسنده در موارد عقود اسلامی و معاملات مورد تأیید شارع را معادل حیل مشروع ربا عنوان کرده است. به عنوان نمونه در صفحه ۱۷۵ فروش اقساطی را نوعی حیل ربا در نظر گرفته که این تعبیر دارای اشکال به نظر می‌رسد و اساساً نمی‌توان تمامی معاملات صحیح اسلامی را حیل ربا دانست. بلکه عبارت حیل ربا، تعبیری خاص است که بر عقود خاصی که شباهت زیادی با قرض با اضافه مقید (ربا) دارند به کار می‌رود و نمی‌توان نباید تمامی معاملات صحیح را حیل ربا دانست و این کار نوعی خلط محل بحث است.

۳- می‌توان اشکال حضرت امام (ره) را در مورد حیل بیع نقد و اجاره به شرط تملیک که نویسنده آن را مجاز می‌داند مجدداً مطرح و بیان کرد که چرا خداوند حکیم مسأله‌ای

گزارش جلسه سوم

ربا، بهره طبیعی و بهره قراردادی

الف- خلاصه اثر

مقاله «ربا، بهره طبیعی و بهره قراردادی: نقد مفهوم بهره در نظریات اقتصادی متفکرین مسلمان»، تلاش می‌کند تا برداشت غالب از مفهوم بهره در دیدگاه متفکران اقتصاد و مالیه اسلامی را به چالش بکشد. در این راستا، ضمن مراجعه به آثار برخی از اقتصاددانان برجسته مانند بوم‌باورک (۱۹۵۷)، فیشر (۱۹۳۰)، کینز (۱۹۳۴) و... تلاش می‌کند تا ضمن تفکیک بین دو مفهوم بهره طبیعی و بهره قراردادی، ربای محرم در اسلام را محدود به بهره قراردادی کند. در آنچه در پی می‌آید، به مهم‌ترین تحلیل‌ها و یافته‌های این تحقیق اشاره می‌شود.

۱- قیمت کالاها و عوامل تولید ارتباط انکارناپذیری با جریان درآمدی حاصل از آنها داشته و بدون وجود نرخ‌ی که آینده را به حال پیوند بزند، کل نظام قیمتی غیرمتعین است. به بیان دیگر، قیمت کالاها و عوامل تولید، ارزش تنزیل شده درآمدهای آتی حاصل از آنها بوده و لذا، بدون وجود نرخ بهره (که ارزش درآمدهای حاضر را در قبال درآمد آتی مشخص می‌کند)، تنزیل درآمدهای آتی به ارزش فعلی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، تعیین قیمت کالاها در زندگی اقتصادی متوقف بر وجود نرخ بهره است.

۲- به حسب ظاهر، در دیدگاه‌های متفکران مسلمان، دو مفهوم بهره قراردادی و بهره طبیعی با یکدیگر خلط شده‌اند. برداشت اقتصاددانان مسلمان از بهره در ادبیات اقتصادی متعارف، بهره قراردادی است؛ در حالی که به نظر می‌رسد منظور از بهره در ادبیات اقتصادی غرب، بهره طبیعی باشد.

۳- منظور از بهره قراردادی، درآمدی است که صاحب سرمایه در قراردادهای رسمی و حقوقی، در قبال در اختیار دیگران قرار دادن سرمایه کالایی و یا نقدی خود، مطالبه می‌کند. اما بهره طبیعی، درآمدی مستقل از قیمت سرمایه (یا پول) بوده اما موثر بر آن است و بر مبنای ارزش‌گذاری جامعه برای یک واحد درآمد حاضر در مقابل همان مقدار درآمد آتی (معمولاً یک سال بعد)، با این فرض که حصول درآمد در آینده، قطعی و بدون هر نوع خطری باشد، تعیین می‌شود.

ب- نقاط ضعف اصلی

۱- متأسفانه در ادبیات متعارف، مثلاً کتاب بوم‌باورک (۱۹۵۷)، پول نیز نوعی سرمایه در نظر گرفته می‌شود که این خلط بین مفهوم پول و سرمایه و زمین‌های برای توجیه بهره، حتی بهره قراردادی است. در حالی که پول الزاماً سرمایه نیست و برخی از اقتصاددانان به این نکته اذعان دارند. همچنین، سرمایه در اقتصاد اسلامی دارای عایدی (حتی عایدی ثابت و از پیش تعیین‌شده) است، ولی پول، به خودی خود مستحق هیچ نوع بهره‌ای، نه بهره حقوقی و نه بهره طبیعی نیست. لازم به ذکر است این ویژگی و ظرفیت بالقوه پول که می‌تواند در آینده به سرمایه تبدیل شود و در خدمت تولید قرار بگیرد، هیچ حقی برای پول در جهت دریافت مازاد ایجاد نمی‌کند؛ چرا که به لحاظ عقلی، ابتدا باید تولید انجام و ارزش افزوده ایجاد شود و پس از آن این ارزش افزوده بین عوامل تولید تقسیم شود.

۲- حتی اگر تحلیل‌های نویسنده درست فرض شود، محل بحث در اقتصاد کلان و در تمامی مواردی که در کتب اقتصادی متعارف معمولاً مورد بحث قرار می‌گیرد، تجلیات مختلف نرخ بهره طبیعی در بازارهای مختلف، مثلاً نرخ بهره سپرده‌ها، نرخ بهره اوراق قرضه و... است و نمی‌توان مدعی بود محل بحث همواره مفهوم ذهنی نرخ بهره طبیعی است.

۳- در تحلیل ارائه شده طوری بحث شده است که گویا تمامی اقتصاددانان متعارف بر مفهوم نرخ بهره طبیعی و تفکیک آن از نرخ بهره قراردادی توافق دارند، در حالی که این مطلب مخصوص عده معدودی از اقتصاددانان (مثلاً اقتصاددانان مکتب اتریش به ویژه بوم‌باورک) بوده و نظریات رقیب گوناگونی در خود اقتصاد متعارف در مفهوم سرمایه، پول و بهره ارائه شده است که نمی‌توان نسبت به آنها بی‌توجه بود. اما در این تحقیق به آنها توجهی نشده است.

گزارش جلسه چهارم

نقد ریشه‌های ذهنی ایجاد بهره از دیدگاه بوم‌باورک

الف- خلاصه اثر

تلاش اقتصاددانان برای جداسازی بهره از ربا در غرب، به ظهور پاره‌ای استدلال‌ها و دلایل برای توضیح مشروعیت و معتبر دانستن بهره انجامیده است. سرآمد این نویسندگان،

۲- نویسندگان در بخش‌های مختلف تحقیق تلاش کرده است تا مباحث نظری خود را در قالب مدل‌های ریاضی به بحث بگذارند که این خود قابل نقد است. چرا که به لحاظ منطقی اولاً مقاله در پی نقد مفهومی به نام بهره است و در نقد این مفهوم باید به لحاظ نظری مطالبی را بیان کرد؛ نه اینکه با در نظر گرفتن فروضی خاص، مدلی طراحی کرد و با استفاده از مدل‌ها، فروض و عبارات ریاضی، به نقد مفهوم پرداخت. علاوه بر این، مدل‌سازی ریاضی تلاشی است در جهت وارد کردن مفاهیم و روابط مورد توافق در قالب و شکل ریاضی‌وار. حال سوال آن است که چه دلیل و ضرورتی دارد که وقتی هنوز در رابطه با ماهیت بهره و ربا توافق کافی وجود ندارد، مفاهیم در قالب مدل ریاضی ارائه شود؟ این کار تنها فهم مطالب را برای خواننده سخت و دشوار می‌کند و نوعی ریاضی‌زدگی است.

۳- نویسندگان تلاش کرده است تا از یک طرف اثبات کند که بهره دارای ریشه عقلایی و اقتصادی نبوده و پدیده‌ای ناشی از عدم عقلانیت است و از این رهگذر تلاش کرده است تا به عدم مشروعیت بهره از دیدگاه اسلامی برسد. در حالی که به نظر می‌رسد لازم است بین واقعیت، عقلایی نبودن و مشروعیت تفکیک قائل شد. چرا که ممکن است پدیده‌ای در واقعیت وجود داشته باشد، اما در عین حال حرام هم باشد. مثلاً ممکن است که واقعاً انسان‌ها ترجیح زمانی داشته باشند، اما بر اساس شریعت نباید آن را در معاملات و مبادلات خود دخالت دهند. همچنین ممکن است پدیده‌ای ظاهراً عقلایی باشد، اما باز هم مورد تایید شارع نباشد. بنابراین، باید بین واقعیت، عقلایی بودن احتمالی و مشروعیت تفکیک قائل شد و در این تحقیق چنین تفکیکی مشاهده نمی‌شود.

گزارش جلسه پنجم

بررسی تطبیقی نظریه نرخ بهره صفر با نظریه تحریم ربا در اسلام

الف- خلاصه اثر

تحقیق‌های انجام‌شده به وسیله اقتصاددانان سرمایه‌داری، نشان می‌دهد که برای قرار گرفتن اقتصاد بازار در وضعیت بهینه، ضروری است نرخ بهره، صفر باشد. از طرف دیگر، در نظام اقتصادی اسلام، رباخواری حرام و ظهور آن در روابط اقتصادی ممنوع است. حال سوال آن است که آیا بین نظریه‌های اخیر اقتصادی و نظریه تحریم ربا در اقتصاد اسلامی، نسبتی وجود دارد؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیل محتوا، به دنبال اثبات این فرضیه است که نظریه‌های نرخ بهره صفر در نظام اقتصاد سرمایه‌داری با نظریه تحریم ربا در نظام اقتصادی اسلام تفاوت ماهوی دارند و مفهوم مورد تاکید در نظریه تحریم ربا، از این نظریه‌ها انتزاع نمی‌شود. دلالتی که از این بحث استخراج می‌شود آن است که صفر بودن نرخ بهره، نمی‌تواند معادل حذف ربا در بانکداری اسلامی در نظر گرفته شود و این باور که پایین تر بودن نرخ بهره، به معنی سازگاری بیشتر فعالیت‌های بانکی با تعالیم اسلامی است، باوری عرفی اما ناصحیح است.

ب- نقاط ضعف اصلی

۱- نویسندگان برای استدلال‌های خود روش و الگوی خاصی را بیان نمی‌کنند؛ به عبارت ساده‌تر نبود یک روش مناسب و منسجم در بیان مقاله باعث ضعف آن شده است. مناسب بود نویسندگان در مقدمه، در رابطه با روش تحقیق و مسیر منطقی پاسخ‌دهی به سوالات تحقیق توضیح بیشتری ارائه می‌کرد.

۲- بهره پولی، بهره اسمی، بهره و بهره واقعی الفاظ و عبارات‌های متفاوتی هستند که در ادبیات اقتصادی معانی متفاوتی نیز دارند. نویسندگان در جای جای مقاله این عبارات را به جای یکدیگر استفاده می‌کنند، در حالی که هر یک از این عبارات‌ها دلالت‌های نظری متفاوتی دارند؛ لذا می‌بایست ابتدا معنای هر یک از اینها به شکل کاملی تبیین می‌شد و پس از آن به تحلیل‌های نظری پرداخته می‌شد.

۳- سوالی که نویسندگان مناسب بود به آن پاسخ دهد این مساله بود که آیا جهت ساخت یک الگوی اقتصادی، پذیرش فرضیه صفر نرخ بهره یا حذف نرخ بهره (تحریم ربا) می‌تواند نتایج عملی متفاوتی ایجاد کند؟ در واقع، جا داشت در رابطه با ثمره عملی بحث و اینکه مقایسه نظریات نرخ بهره صفر با نظریه حرمت ربا در عمل چه اثرگذاری‌هایی می‌تواند داشته باشد توضیح داده می‌شد. در مقابل اگر بحث صرفاً کوششی نظری و علمی است، لازم بود در ابتدای مقاله بر نبود ثمرات عملی در آن تاکید می‌شد.

۴- نویسندگان طوری بحث کرده است که گویا در اسلام پرداخت هر نوع سودی به سرمایه نامشروع و بهره است. در حالی که شاید از بین عقود متعددی که در معاملات اسلامی وجود دارد، تنها بهره بردن از یک نوع خاص از مبادلات (عقد قرض) نامشروع عنوان شده است و پرداخت و دریافت سود و مثبت بودن نرخ آن در سایر عقود مورد تایید است. حتی در برخی از عقود، صفر بودن نرخ سود و مثبت بودن نرخ آن در سایر عقود مورد تایید است. مشارکت مدنی، که در آن اگر دریافت‌کننده تسهیلات بر اساس این عقد هیچ نوع سودی دریافت نکند یا ماهیت عقد مشارکت در تعارض بوده و صفر بودن سود باطل و مبطل عقد خواهد بود.

بوم باورک است. او معتقد است، بهره، دلایل و ریشه‌هایی دارد که نمی‌توان آنها را انکار کرد؛ زیرا ریشه‌های مذکور در نهاد طبیعت و ذات انسانی وجود دارند و بنابراین وجود بهره در معاملات اقتصادی ضرورت می‌یابد. از نظر او، سه دلیل برای وجود بهره وجود دارد: دلیل اول، مطلوبیت نهایی نزولی؛ دلیل دوم، ترجیح زمانی و دلیل سوم، مولدیت کالاهای سرمایه‌ای. دو دلیل اول به عنوان ریشه‌های ذهنی ایجاد بهره شناخته می‌شوند. در این مقاله، ابتدا دو ریشه ذهنی بهره معرفی می‌شوند و سپس مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرند. همچنین تلاش می‌شود تا دلالت‌هایی که نقد این دو ریشه می‌تواند در مفهوم‌شناسی ربا در بانکداری و مالی اسلامی داشته باشد، استخراج شود. برخی از مهم‌ترین نکات مطرح در این پژوهش عبارتند از:

۱- مدافعان بهره از طریق قائل شدن ریشه‌های واقعی (ذهنی و عینی) برای بهره، آن را متمایز از ربا جلوه داده و سعی کردند استدلال کنند که نرخ‌های پایینی که محدود به متوسط نرخ بازدهی در بازار است و بیان‌کننده نرخ ترجیح زمانی افراد در گذشت از مصرف حال است، کاملاً منطقی بوده و خارج از دامنه تعریفی ریاست.

۲- مطلوبیت نهایی کاهشدهنده، ریشه ذهنی اول بهره از دیدگاه بوم‌باورک است. بر اساس دیدگاه وی، به موازات افزایش مصرف، مطلوبیت نهایی کاهش می‌یابد. به عنوان نمونه، فردی را در نظر بگیرید که می‌خواهد کالایی را در طول زمان مصرف کند. هر چه فرد از این کالا در طول زمان بیشتر استفاده کند، میزان مطلوبیتی که از استفاده از آن کالا می‌برد، کاهش می‌یابد. بنابراین، ترجیح زمانی به آن معناست که مصرف در اوایل ارزشمندتر از مصرف در دوره‌های بعد است و این خود، از نظر بوم‌باورک، وجود یک نرخ بهره پولی مثبت را توجیه می‌کند.

۳- یکی از محورهای نقد ترجیح زمانی، غیرعقلایی بودن آن است. در واقع می‌توان گفت ترجیح زمانی ناشی از کوچک دیدن آینده است. در حالی که آینده کوچک نیست، بلکه فرد آن را کوچک می‌بیند و زمانی متوجه اشتباهش می‌شود که وارد آینده شود. در این شرایط، زمانی که به گذشته نگاه می‌کنند، پشیمان می‌شوند.

۴- توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده می‌توان مدعی بود که به لحاظ مفهومی، حتی بر اساس دیدگاه‌های برخی از اقتصاددانان جریان غالب (مدافعان نظام سرمایه‌داری)، نیز نمی‌توان توجیه قابل قبولی برای ضرورت وجود بازار مستقل پولی و تعیین نرخ بهره در آن مطرح کرد.

۵- به نظر می‌رسد نتایج اخذشده در این مقاله، دلالت‌های نسبتاً مفیدی در توضیح علل تحریم ربا در نظام بانکداری و مالی اسلامی به همراه داشته باشد که برخی از آنها عبارتند از:

الف- چنانچه بپذیریم افراد ترجیح زمانی دارند و بنابراین ارزش‌های آینده را تنزیل می‌کنند، این عمل آنها باعث خواهد شد که منابع به زبان نسل‌های آینده توزیع شود و مصرف نسل‌های فعلی افزایش یابد. با افزایش نرخ ترجیح زمانی، آهنگ افزایش مصرف حال، تشدید خواهد شد. این مساله، موجبات پیدایش و نهادینه شدن اسراف را فراهم آورده و اتلاف منابع را باعث خواهد شد. موضوع اسراف و ضرورت عدم وجود آن در مناسبات عاملان اقتصادی، از مسلمات نظام اقتصادی اسلام است.

ب- در این مقاله نشان داده شد آن دسته توجیه‌هایی که بهره را به خاطر عامل ترجیح زمانی و قانون مطلوبیت نهایی نزولی، ماهیتاً متفاوت از ربا می‌دانند، معتبر نیستند یا حداقل با انتقاد شدید مواجهند. نمی‌توان با توسل به مفاهیمی چون ترجیح زمانی و مطلوبیت نهایی کاهشدهنده، به یک نرخ بهره تعادلی مثبت در بازار دست یافت و نام آن را بهره طبیعی گذاشت و از آن مبنایی برای متفاوت دانستن ربا از بهره استخراج کرد.

ب- نقاط ضعف اصلی

۱- یکی از نقاط ضعفی که به نظر می‌رسد در این تحقیق وجود دارد، روش‌شناسی بحث و شیوه دستیابی به نتایج است. در واقع نویسندگان تلاش کرده است ضمن بهره بردن از دیدگاه افرادی که در اقتصاد متعارف (سرمایه‌داری)، موضوع ریشه‌های بهره (از جمله وجود ترجیح زمانی) را مورد نقد قرار داده‌اند، نشان دهد که این ریشه‌ها مناقشه‌برانگیز بوده و نمی‌توانند به توجیه نظری وجود نرخ بهره بینجامند؛ علاوه بر این، تلاش کرده است تا با همین فرآیند، دیدگاه آن دسته از متفکران اقتصاد و بانکداری اسلامی را که وجود ترجیح زمانی را می‌پذیرند مورد نقد قرار دهد. این در حالی است که به نظر می‌رسد اولاً در رابطه با خیلی از موضوعات و مفاهیم اقتصادی، در کنار موافقان بسیار، مخالفانی نیز وجود دارد و اینکه به صورت جانبدارانه به دیدگاه مخالفان پرداخته شود و بدون مدون کردن استدلال‌های موافقان، نتیجه‌گیری انجام شود، قابل نقد و مناقشه است. در این تحقیق، به صورت یک‌طرفه دیدگاه‌های مخالفان برخی ریشه‌های بهره، مانند ترجیح زمانی، مطرح شده و تلاش شده است تا این دیدگاه‌ها به عنوان دیدگاه‌های صحیح و منتخب مطرح شود. ثانیاً، لازم است به لحاظ روش‌شناختی توجه شود که نه رد ترجیح زمانی در اقتصاد متعارف الزاماً به رد ربا در اسلام می‌انجامد و نه تایید آن الزاماً به تایید ربا.

گزارش جلسه ششم

محدودیت‌ها و مسوولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسری بودجه

الف - خلاصه اثر

برای تامین مالی کسری بودجه دولت و از بین بردن شکاف بیسن درآمد و هزینه، روش‌های گوناگونی وجود دارد. به نظر می‌رسد کم‌هزینه‌ترین راه برای دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه، تامین مالی کسری بودجه دولت از طریق چاپ پول است که اصطلاحاً «مالیه تورمی» یا «پولی کردن کسری بودجه» نامیده می‌شود. در واقع منظور از مالیه تورمی آن است که دولت‌ها از قدرتی که در زمینه چاپ پول (به وسیله بانک مرکزی) در اختیار دارند، استفاده و از این طریق کسری بودجه خود را با ایجاد تورم جبران کنند. تحقیق حاضر به روش تحلیلی-توصیفی به بررسی این مسأله از دیدگاهی اسلامی پرداخته و نشان می‌دهد که ایجاد تورم در جامعه به منظور تامین کسری بودجه باعث توزیع ناعادلانه درآمد شده و وظایف واحد محاسبه و حافظ ارزش بودن پول را مخدوش می‌سازد. از طرفی با توجه به اینکه دولت اسلامی مجری عدالت در جامعه است، نباید اقدامی انجام دهد که منجر به ایجاد بی‌عدالتی در جامعه شود. مخدوش کردن معیارهای ارزش (که پول یکی از مهم‌ترین آنهاست) نیز از جمله اعمالی است که منابع اسلامی به شدت انجام آن را نفی کرده‌اند. به هر حال در شرایط خاصی که حفظ اصل نظام یا رشد اقتصادی آن، ضرورت پولی کردن کسری بودجه را مطرح کند، انجام این کار دارای مجوز است، مشروط بر اینکه اولاً موقت باشد، ثانیاً تنها به اندازه مصلحت و نیاز انجام شود و در نهایت با سیاست‌های جبرانی مناسب همراه باشد تا از فشار بر طبقات پایین جلوگیری شود.

ب- نقاط ضعف اصلی

۱- به نظر می‌رسد مسأله مالیه تورمی و شیوه انجام آن به خوبی تبیین نشده است. مناسب بود نویسنده از طریق بیان اجزای پایه پولی به تبیین موضوع می‌پرداخت. بر اساس ترازنامه بانک مرکزی (در ستون منابع)، اجزای پایه پولی عبارتند از: خالص بدهی دولت به بانک مرکزی، خالص دارایی‌های خارجی و ذخایر طلا، خالص بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی و خالص سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها و حساب سرمایه بانک مرکزی. هر چند تمامی اجزای مورد اشاره در افزایش پایه پولی اثر دارند، اما آنچه در این تحقیق مورد بحث است، تنها جزء اول پایه پولی، یعنی خالص بدهی دولت به بانک مرکزی است. مناسب بود جهت تبیین بهتر موضوع به این مسأله اشاره می‌شد.

۲- اجرای سیاست ترمیم دستمزدها ممکن است منجر به نقض غرض شود. چرا که دولت در ابتدا به دلیل آنکه مخارجش بیش از درآمد‌هایش بوده است، کسری بودجه ایجاد کرده است. در ادامه برای تامین این کسری از بانک مرکزی قرض کرده و با ایجاد تورم، کسری خود را جبران می‌کند. حال اگر بخواهد مجدداً با افزایش حقوق و دستمزد کارمندان دولت، برای خود خرج جدیدی برتراند، در سیکل معیوب افزایش دستمزد-تورم وارد خواهد شد. به عبارت دیگر، افزایش دستمزدها خود می‌تواند منجر به ایجاد تورم شود.

۳- اجرای سیاست ترمیم دستمزدها نمی‌تواند به طور کامل جبران ضررهای وارد شده بر مردم از ناحیه تورم را بکند. چرا که اولاً تورم مالیاتی عمومی و پنهان است که بر دوش تک‌تک افراد جامعه قرار می‌گیرد؛ چه آنها که حقوق‌یگیر دولت‌اند و چه آنها که در بخش خصوصی به فعالیت مشغولند. اما اجرای سیاست ترمیم دستمزدها توسط دولت، فقط شامل کارمندان دولت خواهد شد و دلیلی ندارد که بخش خصوصی نیز چنین سیاستی را اجرا کند.

گزارش جلسه هفتم

تورم و جبران کاهش ارزش پول از دیدگاه اسلامی

الف - خلاصه اثر

چکیده فصل ششم کتاب ربا و تورم، تلاش می‌کند تا با بررسی گسترده ادبیات موضوع، نظریات فقیهان و دانش‌پژوهان مذاهب اسلامی را در رابطه با مقوله جبران کاهش ارزش پول گرد آورد و با استفاده از دانش فقه، اقتصاد و حقوق به نقد و بررسی آنها بپردازد. مجموع این نظریه‌ها به پنج دسته کلی تقسیم می‌شود که عبارتند از: ضرورت جبران کاهش ارزش پول به طور مطلق و در تمامی شرایط، جایز نبودن جبران کاهش ارزش پول به طور مطلق و در تمامی شرایط، ضرورت تفصیل بین شرایط گوناگون، ضرورت مصالحه و ضرورت ارائه راهکارهایی برای جبران ضرر وارد شده بر طلبکار. در این فصل نویسنده پس از بررسی و نقد تمامی این نظرات، دیدگاه منتخب خود را در سه حالت مورد بررسی قرار می‌دهد که عبارتند از:

الف- تورم شدید؛ به گونه‌ای که عرف عام در مقابل آن در قراردادهای مدت‌دار، از خود واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان دهد. در این حالت نشان داده می‌شود که جبران کاهش ارزش پول واجب بوده و از مصادیق ربا به شمار نمی‌رود.

ب- تورم خفیف؛ به طوری که عرف عام در مقابل آن در قراردادهای مدت‌دار از خود هیچ‌گونه واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان ندهد. نتیجه بررسی محقق در این حالت نشان

می‌دهد که جبران کاهش ارزش پول جایز نبوده و از مصداق رباست.

ج- تورم متوسط؛ به صورتی که نوع واکنش عرف عام در مواجهه با آن قابل تشخیص نباشد. در این حالت تحلیل‌های نویسنده نشان می‌دهد که جبران کاهش ارزش پول جایز نبوده و مصالحه بین طرفین، طریق احتیاط است.

ب- نقاط ضعف اصلی

۱- نویسنده موضوع تورم را تنها در چارچوب احکام اولیه مورد توجه قرار می‌دهد. در حالی که با توجه به ابعاد اجتماعی موضوع تورم، شاید جا داشت تا موضوع در فضای احکام ثانویه و حکومتی نیز دیده شود. در واقع مناسب بود به این سوال پاسخ داده شود که آیا مصلحت‌سنجی حکومت اسلامی در جبران کاهش ارزش پول می‌تواند اثر داشته باشد یا خیر و اگر پاسخ مثبت است، آیا دولت نیز اجازه دارد که در حوزه مصلحت‌سنجی وارد شود یا خیر؟ ۲- ایجاد تورم یک اتفاق پیش‌بینی‌نشده و غیرمترقبه و بلیه سمایی نیست. مقصر تورم، دولت است و باید نقشی برای دولت در جبران کاهش ارزش پول مردم تعیین شود. نویسنده اشاره‌ای به مقصر این کاهش ارزش‌ها نداشته‌اند.

گزارش جلسه هشتم

شاخص‌سازی سپرده‌ها با هدف جبران تورم در بانکداری بدون ربا

الف - خلاصه اثر

این مقاله تلاش می‌کند تا در چارچوب بانکداری بدون ربا، راه‌حلی برای جبران سپرده‌گذاران در برابر تورم ارائه دهد. در این راستا، مدلی عملیاتی پیشنهاد می‌کند که در آن تجهیز و تخصیص منابع در بانک نه بر مبنای قراردادهای مبتنی بر مبالغ پولی، بلکه به پشتوانه سبدهی از دارایی‌های مالی و واقعی (با تأکید بر طلا و ارز) انجام می‌شود. علاوه بر این، رابطه بین تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها و تغییرات قیمت سکه طلا و دلار در اقتصاد ایران با استفاده از رهیافت خود برگشت با وقفه‌های توزیعی مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده آن است که مدل پیشنهادی (ایندکس سپرده‌ها با دارایی‌های واقعی) الگویی عملیاتی و قابل کاربرد در نظام بانکی کشور است. همچنین، نتایج مدل تخمین زده شده نشان‌دهنده آن است که طلا پشتوانه خوبی جهت شاخص‌سازی سپرده‌ها بوده ولی دلار (به دلیل تعیین دستوری نرخ آن) این ویژگی را ندارد.

ب- نقاط ضعف اصلی

۱- یکی از مشکلات اساسی این تحقیق آن است که موضوع را تنها از بعد اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد و از ابعاد فقهی و حقوقی آن غافل است. به منظور واقعی ساختن ایده، مناسب بود تا حداقل نیمی از تحقیق به بررسی ابعاد فقهی-حقوقی طرح پرداخته می‌شد. در حال حاضر رابطه فقهی بین سپرده‌گذاران و بانک و همچنین بین بانک و دریافت‌کنندگان تسهیلات مشخص نیست. مثلاً تعیین نشده است که آیا رابطه فقهی-حقوقی وکالت است، یا بیع عین، یا بیع کلی و... در حالی که هر یک از این روابط آثار و احکام خاص خود را دارند. در وضع فعلی، الگوی پیشنهادی با شبیه ربا و غیر مواجه است. از طرف دیگر، نظام بانکی کشور بر اساس قانون بانکداری بدون ربا به فعالیت مشغول است و هر ایده جدیدی باید در چارچوب حقوقی قانون فوق قرار داشته باشد.

۲- طرحی مشابه آنچه در این تحقیق به آن پرداخته شده است، قبلاً (فروردین سال ۹۰) توسط بانک صادرات ارائه شده است. عنوان این طرح «طرح سپرده طلا» بود که پس از مدتی به دلیل مشکلات اقتصادی و فقهی-حقوقی متوقف شد. مناسب بود نویسندگان به منظور بالا بردن میزان کاربرد بحث، این تجربه را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دادند و برای مشکلات و نقاط ضعف آن (که به نظر می‌رسد در الگوی پیشنهادی این تحقیق نیز وجود دارد) راه‌حلی عملیاتی ارائه می‌کردند.

۳- تجربه چهارساله اخیر نشان داده است که قیمت طلا بسیار بی‌ثبات بوده و به شدت متأثر از سیاست‌های اقتصادی و غیراقتصادی در کشور و در سطح بین‌المللی است. بنابراین شاخص‌سازی بر روی طلا ریسک زیادتری داشته و قابل اعتماد و اطمینان نیست و ریسک نقدینگی و ریسک اعتباری بانک‌ها را به شدت افزایش می‌دهد. از طرفی، استفاده از خدمات بیمه‌ای، مشاوران مالی و موسسات رتبه‌بندی بر هزینه‌های بانک می‌افزاید که باید به نحوی این هزینه‌ها توجیه اقتصادی داشته باشد. مناسب بود نویسندگان در بخشی مستقل انواع ریسک‌های این طرح و شیوه‌ها و هزینه‌های پوشش این ریسک‌ها را مطرح می‌کردند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری پژوهش‌گردد پولی و بانکی و دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

۲- گزارش مبسوط جلسات نقد بر روی تارنمای پژوهش‌گردد پولی و بانکی قابل دسترسی است.